

قسمت اجتماعی

جوانی و جوانان ایران

مقام جوانی شیلر شاعر معروف آلمان میگوید: «جوانی موج میزند در هیئت اجتماعی و اوقیانوس زندگی بجوش در می‌آید. ای جوانان برخیزید و بکوشید پیش از آنکه روح شما تاریک گردد».

در تمام موجودات عالم دوره جوانی دوره قوت، طراوت و شجاعت است. جوانی میدان آزمایش عزم و همت و نمایشگاه قوای مخفی خلقت است. جوانی دوره دیوانگی و عشق و جرئت و دلرباترین جلوه روح بشریت است.

اگر جوانان میدانستند و میتوانند خزاین لایقنای قوت و سعادت را که در جوانی مکنون است بکار بیندازند نه تنها خود و جامعه خود را بختیار میتوانند بکنند بلکه زمین ما را نمونه بهشت برین میساختند.

جوانان يك ملت، مراکز قوت، منابع ثروت و ارکان موجودیت او میباشند و بدین مناسبت است که یکی از حکما گفته: فقط از راه تربیت و تعلیم جوانان و نوزادگان يك ملت در ظرف ۲۵ سال میتوان اوضاع اجتماعی و مقدرات سیاسی آن ملت را بکلی تغییر داد. زیرا که افراد دیگر در عرض این ۲۵ سال بتدریج بدرود زندگانی خواهند گشت و از آنان نباید انتظار تغییر حال و اخلاق داشت ولی زمام مقدرات ملت بدست جوانان و نونهالان امروزی خواهد

گذشت و بدین سبب تغییر حال و سعادت يك ملت بسته بتغییر حال و تربیت جوانان اوست .

درینجا نظر ما منحصر به افرادی که از حیث سن جوان هستند نیست بلکه کسانی نیز که هنوز قلب آنها زنده و روح آنها بفسرده است در نظر ما جوان هستند . ما افرادی را که هنوز قوه ادراک و تفکر را دارا بوده و قلب آنها هنوز آشیانه عشق مسلک است جوان می‌شماریم . مردمانی که آنقدر قوه تمیز دارند که می‌فهمند زندگی امروزی ایشان شایسته مقام شرافت و فضیلت انسانی نیست و تا آندرجه همت و شجاعت دارند که اصلاح حال خود و ربودن گوی نیگنمایی و سعادت را بهر قیمت باشد تصمیم گرفته اند ، خلاصه مردمان نیکیین و زنده دل و امیدپرور و کار دوست و با عزم را ما جوان میدانیم چه برای ما روشن است که بشریت صدی نود و نه از آثار خوشبختی و ترقی خود را مدیون ذکاوت و عزم و همت اینگونه افراد زنده دل میباشد که روح آنان با قطع نظر از بزرگی سال همیشه جوان بوده است و چنانکه نویسنده حکیم آلمانی ژان پاول گفته جوانی روح ، يك جوانی جاودانی است و جاودانی عین جوانی است .

بدین مناسبت ما نیز درین مقاله نخستین روح جوان ملت ایران را که منبع قوت و سعادت ایران میتواند شد هدفی آمال خود قرار داده صمیمی ترین احساسات قلبی خود را به پیشگاه همت او عرضه میداریم و میگوئیم :

ای جوانان زنده دل و با روح ایران بکوشید تا این گنج شایگان جوانی را که طبیعت بشما ارزانی داشته مفت از دست ندهید . برای رسیدن به مقصد مقدس و آرزوی پاکیکه در دل دارید بکوشید . بقوت جوانی میتوانید بدان مقصد و آرزو برسید

و با قوه عزم و همت و متانت می‌توانید همه مشکلات را از جلوی راه مقصود خودتان بر دارید. شما درینراه توشه‌ای جز همت بلند و پایداری و پافشاری لازم ندارید.

این جوانی گنجیست که اگر آنرا بکار نیندازید خود به‌خود نابود میشود و چنانکه شاعر آلمانی کوتاه گفته است: جوانی نیز مانند پاکترین و بهترین عشقها سرانجامی دارد. این جوانی گنجیست که با گنجهای تمام عالم يك لحظه آنرا تحصیل نمیتوان کرد چنانکه رایموند گفته: با زر خیلی کارها را انجام میتوان داد ولی جوانی را با زر نمیتوان خرید. پندیشید از روزیکه شما نیز مانند سعدی خواهید گفت: حیف جوانی بشد از دست من آه و دریغ آن زمن دلفروز. و یا مانند ژان پاول فریاد خواهید زد: ای جوانی باز آ! بار دیگر هم باز آ! و یا مانند کوتاه از زبان فیلسوف سالخورده روبخالتی کاینات کرده خواهید گفت: آه جوانی مرا بمن باز ده!

جوانان امروزی ارباب فنون در فرنگ تاسف می‌خورند که کرورها قوه ایران الکتریکی و میخانیکی در اشعه آفتاب و در امواج دریاها و اوقیانوسها هست که هنوز فنون امروزی موفق نشده است از آنها استفاده بکند. این متفنین هر قدر درینباب متاسف بشوند تاسف ما هزار بار بیشتر از آنست و قتیکه می‌بینیم کرورها قوای دماغی و بدنی جوانان ایران بی‌هوده و بلکه بر ضد منافع خود و مملکت خودشان صرف میشود.

بزرگترین اتلاف و اسراف این قوای خالقه جوانی در مملکت ما از بینکاری سر میزند. بینکاری در مملکت ایران از هرگونه بلای آسمانی خطرناکتر است. اگر امروز از هر يك ایرانی جوان

خواه در داخل مملکت و خواه در خارج آن پرسیم که چرا بی کاری
 نیروی و وقت عزیز خود را بعطالت میگذرانی خواهد گفت :
 « محیط ایران آنقدر خراب و فاسد است که کار کردن در آن
 با حفظ پاکدامنی و شرافت محالست . قردادانی و حقشناسی در کار
 نیست و مکافات خدمت و مجازات خیانت درین جامعه حکم کیسارا
 دارد . کاریکه بتوان بدان چسبید و با استحقاق و عفت پاره نانی از
 آن بدست آورد نیست . آن کارها را که دل من میخواهد بمن نمیدهند
 و آنها را هم که بمن تکلیف میکنند قبول ندارم چونکه مایه کسر شأن
 خود میدانم و در آنها شرافت و عزت نفس و در آمد و منفعت
 نمی بینم . زحمات مرا تقدیر نمیتوانند بکنند . بتحصیلات من اهمیت
 لازم نمیدهند . عقاید و افکار مرا تحقیر و حیثیت و اخلاق مرا استهزاء
 میکنند . این اوضاع پروبال مرا می شکند ، عزم و متانت مرا خورد
 و فلج میسازد و نهال شوق و امید مرا می خشکاند . »

این اظهارها و شکایتها همه درست است و ما محیط ایران را
 خرابتر و فاسدتر و معرفت کشت تر ازین میدانیم . ما خود اقرار
 داریم که درین خاک پوسیده تخم فضیلت سرسبز نمیشود و نهال
 اخلاق پاک سر بلند نمیکند ولی باید فکر کرد که این محیط فاسد را
 بالاخره کیها باید اصلاح بکنند . این مرداب رذایل را کیها باید پاک
 سازند . مگر نه همین جوانان زنده دل و قوی و با عزم باید این
 کار را بکنند . مگر نه همین مردمانیکه این اوضاع را درک میکنند و
 در زیر بار سنگین این محیط فاسد مینالند و خفه میشوند باید این
 گنداب فزونی و پستی و ذلت را بخشگاتند . این يك آرزو و
 بلکه يك وظیفه اجتماعی است که صورت نمیگیرد مگر با کوشش ،
 باز کوشش و باز هم کوشش !

ما ایرانیان از کوشیدن میترسیم. ماها کار نکرده مزد میطلبیم و رنج نبرده میخواهیم گنج برداریم و از آنجا که حرفهای ما با عملی همراه نیست و در پیش و پس خود تکیه گاه عملی ندارد اینست که حرفهای ما و زنی پیدا نمیکند. ولی در میان ملل دیگر بعضی حرفها و مثلها زده شده است که چون از زبان يك ملت زنده و کارکن جاری شده بقدر کوههای هیمالایا و زن دارد و هرگز از وزن خود نمیگاهد. یکی ازین حرفها که چکیده حکمت و سر سعادتش باید نامید سخن يك حکیم آمریکائی است که میگوید: "بکوش یا بمیر" ! این جمله حکیمانه تا جهان باقیست محور کاینات و دستور حیات خواهد بود. این يك جمله کوچک اسرار ترقی و تعالی ملت بزرگ آمریکا را خلاصه میکند.

کسانیکه نمیکشند حق زیستن ندارند زیرا که بارگرانی هستند در گردن آنها یثکه میکوشند. هر مرد کارکن از رنج دست خود چیزی ثروت دنیا میافزاید و در مقابل آن حق زیستن کسب میکند اما مرد بیکار رنج دست دیگران را میخورد یعنی زندگی خود را بدزدی میگذراند. چقدر شایان ستایش میباشد عادت ایرانیان قدیم که مردمان بیکار را از شهرها بیرون میکردند چونکه میگفتند مرد بیکار جز دزد چیز دیگر نمیتواند باشد.

ایرانیان معنی کوشیدن را نیز غلط میفهمند. کوشیدن هرگز بی زحمت نمیتواند بشود. اگر هر کار آنقدر آسان میشد که بی رنج بدست می آمد و انجام می یافت نوع بشر هرگز بدین پایه ترقی نمیرسید و مردمان کاری و نامی فرقی از دیگران نمیداشتند و افتخاری کسب نمیکردند. شرافت در تحمل صدمات و زحمات و عظمت در بردباری و پافشاری در جلوی حادثات است.

جوانان ایران از کار کردن و زحمت کشیدن ترس دارند و لذت را در پیکاری و بیعاری می‌پندارند. کارهای کوچک را مایه کسرشان پنداشته دعوی انجام دادن کارهای بزرگ را می‌کنند در صورتیکه نمیفهمند که هر که در کارهای جزئی ابراز لیاقت و کفایت تواند بکند در امور کلی نیز نمیتواند مصدر اعجاز و سهر بشود. اینگونه افکار جز نتیجه تن پروری و راحت طلبی چیز دیگر نیست و در زیر نفوذ این افکار و این اخلاقت که می‌بینیم جزو اعظم مردم ایران می‌خواهند و کیل بشوند زیرا که وکالت در پارلمان ایران را یزحمت ترین و با دخلترین کارها می‌پندارند. این شغل سرمایه‌ای جز حرف زدن و زحمتی جز چند ساعت روی کرسی نشستن ندارد. حتی بسیاری از وکلا در تمام سال چند کله حرف زدن را نیز زیاد میداند و برخی آمدن بمجلس و روی کرسی نشستن و گوش دادن را نیز بیلزوم می‌شمارند!

همچنین اغلب جوانان می‌خواهند فقط در خدمات دولتی وارد بشوند چونکه زحمت کم و دخل زیاد و وقت فراغت کافی دارد. اغلب می‌خواهند بدین وسیله برای آتیه خود چیزی پس انداز کرده بفراغت بال بیک گوشه رفته، اندوخته‌های خود را در عین پیکاری به استراحت بخورند اگر این جوانان لذت استقلال شخصی و کوشیدن را چشیده بودند هرگز در انتظار خدمت دولتی عمر خود را تلف نمیکردند بلکه در کشور استقلال و آزادی مسلک، شهریار خود میشدند.

مرد با شرافت از قبول کارهای جزئی ابدأ نباید شرم داشته باشد بلکه از عدم قابلیت خود در اجرای آن کار باید شرمگین گردد. شما کلیرا که بشرافت انسانی بر نمی‌خورد و شما را مجبور

بدزدی و تجاوز بحقوق دیگران نمیسازد قبول بکنید و تمام قوت و لیاقت و کفایت خودتانرا در آنکار بکار بیندازید آنوقت بگذارید تمام عالم شمارا استهزاء بکنند وطنه بزنتد شما فقط در پیش وجدان خودتان شرمنده نباشید پس از آنکه درینکار کامیاب شدید همان مردم طعنه زن دور شمارا گرفته آفرینها خواهند خواند و دست شمارا فشرده تحسینها خواهند گفت..

از نداشتن مشوق و قدرشناس نیز نباید مأیوس بشوید. فیلسوف بزرگ ایران سید جمال الدین معروف به افغانی در جامع الازهر مصر بشاگردان خود همیشه میگفت: زندگی با مأیوسی نمیسازد و یأس بازندگی راست نمیاید. مرد با همت و وظیفه شناس باید خود خویشتنرا تشویق بکند. موفقیت و ظفر بزرگترین مشوقهاست باید وظیفه ای را که بعهده میگیرید باکمال خلوص نیت و محبت و جدیت و حس مسؤولیت انجام بدهید. باید از کار زودخسته نشوید گرچه نتیجه آن دیر برسد هیچ زحمتی بی نتیجه و هیچ عملی بی عکس العمل نخواهد ماند. ثمره کوشش شما متناسب با درجه قوت و دوام آن کوشش خواهد بود. باید فراموش نکنید که استراحت وجدان بهترین مکافاتها و ادای وظیفه بزرگترین شادیهها و خوشبختیههاست.

وسایل ظفر و دانشمندان و فیلسوفان عالم برای کامیابی در کارها کامیابی بسیار کتابها و دستورها نوشته و سخنان حکمت آمیز بیان کرده اند. وسایل زیادی برای کامیابی ذکر نموده اند مانند ایمان، عزم، شجاعت، متانت، اعتماد بنفس، همت، استقامت، استفاده از وقت، نیکینی، خوش اخلاقی، جاذبه داری، انتظام عمل، تندرستی و جز آنها که شرح هر یک از آنها کتابی جداگانه

لازم دارد. اگر احوال رجال نامی و بزرگ را در نظر بگیریم می بینیم که هر يك از آنان چند تا از صفات فوق را دارا بوده است. ما، درینجا در باره یکی ازین صفات یعنی عزم و اراده بچند سطر اکتفا میکنیم:

عزم متین و ثابت سرچشمه موفقیت و کلید کامیابی است. هیچ کار مهمی بدون يك عزم محکم و پایدار انجام نمی پذیرد. يك مثل فرانسوی میگوید: «خواستن توانستن است» یعنی کسیکه از ته دل و با قوت تمام انجام دادن يك چیز را بخواهد حتماً آنرا خواهد توانست.

عزم متین آهنربای هدف مقصود است یعنی مرد را بطرف مقصد و مقصد را بطرف مرد میکشد. عزم مانند گلوله توپ است که پس نمیگردد اگر هدف را سوراخ نکند اقلاً در آن جای میگیرد. مرد با عزم منتظر خندیدن طالع و رسیدن موقع و فرصت نمیشود بلکه خویشتن آنها را استقبال میکند.

الفاس لوی میگوید: اگر میخواهید حکمران نفس خود و نفس دیگران باشید قوه عزم را در نفس خودتان پرورش بدهید. روشفوکولد گفته: هیچ چیز درین جهان محال نیست. برای رسیدن بهر مقصدی راهی هست. اگر ما بقدر کفایت عزم و متانت داشته باشیم راه رسیدن بمقصد را پیدا میکنیم.

عزم باید ثابت، یکرنگ، دائمی و غیر متزلزل باشد. عزمهاییکه مانند برق ناگهانی و برانگیخته حوادث و اسباب موقتی باشد مفید نمیتواند بشود. آنها مانند برق میسوزانند و میگذرند. قوه عزم مانند سایر قوای مرد قابل پرورش و نشو و نماست. قوه عزم در

ابتدا هر قدر ضعیف باشد بوسیلهٔ مشق کردن و یافشاری نمودن قوت میگیزد و جهانرا مسخر میکند .

بوفون گفته : عزم بزرگترین قوه ایست که تمام قوای دیگر را زیر فرمان خود نگاه میدارد بشرطیکه بتوانیم آنها را با ذکاوت خود اداره بکنیم .

شاتوبریان گفته : يك عزم آهنین خم نمیشود . بر همه چیز حتی بر زمان نیز غلبه میکند .

لوپونوم کریسال چنین نوشته است : خواستن از ته دل و با تمام قوهٔ عزم کلید همهٔ کامیابیهاست قوهٔ متین عزم است که افراطها را اصلاح و عادت‌های کهنه را ریشه کن میسازد، اختراعاتی تازه را به وجود می آورد و حتی مذهبها را تاسیس میکند . اگر میخواهید يك فکر مفید را انتشار بدهید هرگز خسته و سست نشوید . آن فکر را با تمام قوهٔ عزم و متانت قلب اظهار بکنید . آن تخم را بپوشانید اگر در حیات شما سرسبز نشود پس از شما خواهد روئید و نام شما را زنده خواهد کرد .

در خانمهٔ این مقاله عنوان فصلهای يك کتاب مهم را که حکیم آمریکائی سویت اوریزون ماردن بعنوان کامیابی در سختیها تالیف کرده است ذیلا برجه و درج میکنم :

۱— منتظر موقع مناسب نباشید بلکه خود آن موقع را خلق

بکنید .

۲— يك مرد جوان، عزم و الفبارا یاد بدهید آنوقت خواهید دید درجهٔ موفقیت او بکجاها خواهد رسید .

۳— هیچ يك دقیقه از وقت خودتانرا کم نکنید . در جایکه

يك مرد داهی مانند گلاستون صدر اعظم معروف انگلیس همیشه يك كتاب در جیب خود همراه داشت تا مبادا چند دقیقه از اوقات خود را بهوده بگذراند يكمرد متوسط برای پرهیز کردن از اتلاف وقت بچه وسایل باید دست بزند .

۴— هیچ اندیشه جز برگزیدن يك مسلك و شغل نداشته باشید . سؤال ذیل : “ در هیئت جامعه وجود شما بچه درد میخورد ” سؤالیست که قرن کنونی زاده آن است .

۵— تمام قوه دماغی خود را در يك مقصد غیر متزلزل تمرکز بدهید و تردیدهای پیوده را دور بیندازید . بچیزهای مختلف فکر نکنید بلکه تنها يك چیز آنهم بدرجه عناد .

۶— وقت خودتانرا با تخیلات زمان گذشته و آینده گم نکنید بلکه بکوشید تا موقع حاضر را از دست ندهید .

۷— اخلاق خودتانرا خوش آیند و دلربا بسازید و خود را عادت بدهید که زندگی را خوش و دلکش بیابید .

۸— حرکات و سکنات خودتانرا شیرین بکنید . يك چنین مرد از داشتن ثروت بی نیاز است همه درها بروی او باز است و بهر جا بخواهد بی زحمت و بخرج میتواند وارد بشود .

۹— خودتانرا محترم بدانید و بخودتان اعتماد داشته باشید . این اعتماد بنفس بهترین وسیله ایست برای جلب اعتماد دیگران .

۱۰— متانت اخلاق داشته باشید . کامیابی در هر کار از متانت

اخلاق برمیخیزد .

۱۲— هر کار که میکنید آنرا پایان برسانید و در آنباب عشق

بورزید . پست کار نیمه بقدر يك کار تمام ارزش ندارد .

- ۱۳— زندگانی شما آن خواهد بود که خود آنرا بخواهید .
جهان ، آنچه را که ما بدو میدهیم بما پس میدهد .
- ۱۴— استفاده کردن از ناکامیهای خود را یاد بگیرید یعنی عدم موفقیت وسیله تحریک ، تشویق و تشجیع شما باید باشد .
- ۱۵— هیچ چیز بقدر پشت کار داشتن ارزش ندارد . ذکاوت دوچار خستگی و تردید و تزلزل میتواند بشود اما پشت کاری از کامیابی خود مطمئن است .
- ۱۶— برای خود يك تندرستی کامل و يك زندگی دراز تهیه کنید . نخستین شرط کامیابی يك انسان تندرست بودن است .
- ح کاظم زاده، ایران‌شهر

ادبیات

روح کوروش

بنسبیت تصویر قبر کوروش مندرج در شماره هفت از سال اول ایران‌شهر

دوش چون خورگشت درخاورنهمان
هر کسی در خواب و من از سوز دل
خیمه زد اهریمن شب در جهان
همچو گل پژمرده اندر بوستان
میکشیدم سوی پاتخت کیان
روح کوروش از کنار آسمان
دیده گریان سینه بریان ، پر فغان
کای عجب ایران چرا شد اینچنان
از عمارات صنایدش نشان
من که از تیغ کجهم در کارزار
سربس گشتم در این ملک و نبود
خون دشمن بود از هر سوراخ